

فصل نامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال سوم، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۹۶

یک خانواده شاهی نو-ایلامی^۱

مت واترز^۲

ترجمه اسفندیار رحمتی کیا^۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۲۴

کسانی که تاریخ نو-ایلامی را بررسی کرده‌اند، می‌دانند که مطالعه آن با مشکلاتی همراه است. این مشکلات شامل فقدان کتیبه‌های نو-ایلامی باقی‌مانده نیز می‌شود که یک روایت باستان‌شناختی یا حتی تناوب پادشاهان را مهیا کند؛ فقدان ترجمه مطمئن و درک بسیاری از کتیبه‌های نو-ایلامی که باقی مانده‌اند، و اتکای الزامی به منابع بین‌النهرینی به‌همراه ناتوانی برای ربط دادن اطلاعات آن‌ها به منابع نو-ایلامی. این قبیل مسائل متنی مرتباً با شواهد و مدارک ناقص یا پراکنده باستان‌شناختی در هم آمیخته‌اند. علی‌رغم این دیدگاه بدبینانه و ماهیت مشروط ارزیابی‌های مربوط به مطالعه چنین مطالبی، کار زیادی می‌توان انجام داد. توجه و تلاش بیشتر در زمینه منابع بین‌النهرینی و ایلامی، همین‌طور اسناد باستان‌شناختی ما را قادر می‌سازد درک خود را از دوره نو-ایلامی اصلاح کنیم. در حال حاضر، منابع آشوری جامع‌ترین مجموعه اسناد را درباره نو-ایلامی مهیا می‌کنند. در اینجا خاندان پادشاهان هوبان-هالتاش یکم، هوبن-هلتاش دوم، اورتک و ت اومن اهمیت بیشتری دارند. نام‌گذاری این گروه با یک اسم یعنی پدر چهار برادر (مشاهده در پایین)، آسان‌تر است، اما هویت پدر -و شاید بیش از یک پدر وجود داشته‌است- مشخص نیست.

توصیف «خاندان گسترده» یقیناً تنها برای روابط مدنظر در اینجا به کار نمی‌رود. شکی نیست که اصالت و پادشاهی ایلامی پیشین و پسین، روابط مشابه فراوانی داشته‌است، اما منابع و اسناد چندانی برجای

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

WATERS, M.. "A Neo-Elamite Royal Family," *Iranica Antiqua* (2006) 41: 59-70.
DOI: 10.2143/IA.41.0.2004760

۲. استاد تاریخ باستان در دانشگاه ویسکانسین-او کلر watersmw@uwec.edu

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان دانشگاه تهران M.heidarzadeh@ut.ac.ir

نمانده است. تاریخ‌دانان نمی‌توانند منابع را انتخاب کنند، و دورهٔ بیشترین سندسازی برای تاریخ نو-ایلامی مقارن است با حکومت اورتاک و جانشینان او، در آن دوره آشوری‌ها بیشتر در امور ایلام ۶۷۵-۶۴۵ پیش از میلاد، دخالت می‌کردند. اولین خاندان (اگر بتوانم این اصطلاح را آزادانه برای این دوره به کار ببرم) به روایت رویدادنامهٔ بابلیان و سالنامه‌های آشوری بدین صورت بوده است: هوبان-تاها، پدر هوبن-نیگس یکم (۷۴۳-۷۱۷)، عموی شوتوروک-نهورته (۷۱۷-۶۹۹)، برادر هلوشو (۶۹۹-۶۹۳)، پدر کودور-نهورته (۶۹۳-۶۹۲) برادر هوبن-مننو (۶۹۲-۶۸۹). مسائل و پرسش‌های زیادی در مورد روابط خویشاوندی این پادشاهان هم وجود دارد، اما در اینجا بحث نمی‌شوند.^۱

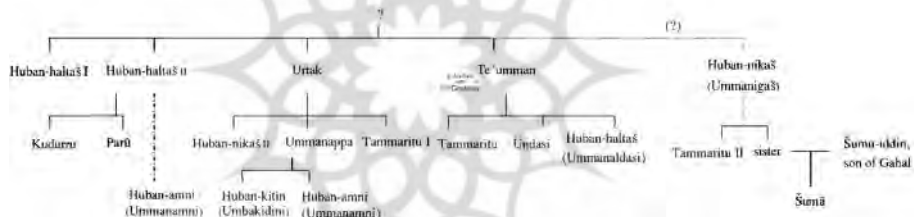
وقایع‌نامهٔ بابلی منبع اصلی جانشینی پادشاهان نو-ایلامی از هوبن-نیگس یکم (۷۴۳-۷۱۷) تا اورتاک (۶۷۵-۶۶۴) است. رابطهٔ هر پادشاه با پیشینیان خود توضیح داده شده است، فقط به جز: بین هوبن-مننو و هوبن-هلثش یکم. در اینجا تاریخ آن‌ها تفکیک نمی‌شود. (ستون سوم، خطوط ۲۶-۲۷): خویشاوندی و رابطه به راحتی ثبت نمی‌شود. یا هیچ منبع دیگری برای حکومت هوبن-هلثش یکم نداریم، بنابراین وضعیت جانشینی و خویشاوندی وی با پیشینیان، مشخص نیست. از آنجا که گردآورنده (ها) تاریخ چنین اطلاعاتی را برای سایر پادشاهان مهیا کرده‌اند، می‌شود تصور کرد که در مورد هوبن-هلثش یکم اطلاعاتی در دست نیست. اگر موجود بود، چرا حذف شده است؟ هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که هوبن-هلثش یکم پسر یا برادر هوبن-مننو بوده باشد: به همین صورت، هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که چنین نبوده است، با توجه به اینکه چنین روابط فامیلی‌ای در سایر موارد ذکر شده است. آیا این نشان می‌دهد که گذار بین هوبن-مننو و هوبن-هلثش یکم نشان‌دهندهٔ تغییر در نسل پادشاهان ایلام است؟ این یک فرضیهٔ معقول است، حتی اجباری است، اما در نهایت، استدلالی از سکوت می‌باشد. درحالی که این زمینه‌ای برای حدس و گمان مهیا می‌کند، برای پرس‌وجوی تاریخی، ایده‌آل نیست. این روی اکثر جوانب تاریخ نو-ایلامی تأثیر می‌گذارد.

نشانه‌ای که در تاریخ بابلی رابطهٔ بین هوبن-هلثش یکم و جانشینان او، هوبن-هلثش دوم را شرح می‌دهد، افتاده است (ستون سوم، خط ۳۳)، اما اثراتی از نشانهٔ EŠŠ (اکدی به معنای «برادر») وجود

1. See for discussion and references: Carter and Stolper, 1984, pp. 44-48; Quintana, 1996; Vallat 1996; Vallat, 1997, pp. 310-12; Potts, 1999, p. 269; Waters, 2000, pp. 12-36; Henkelman, 2003a, pp. 255-56 and 261-62; and Tavernier, 2003, pp. 203-04.
2. Most scholarly treatments (see footnote 1 for examples) follow Grayson's restoration DUMU (Akkadian mar), 1975, p. 81. Collation of [SE]S by E. Leichty; see Waters, 2006.

دارد. این با K 2867 تناسب دارد، که نشان می‌دهد هوبن-هلتش دوم، اورتاک، و تِ اومان برادر بوده‌اند، این امر وجود یک سلسلهٔ چهار برادری را به‌عنوان پادشاهان ایلام از ۶۸۹ تا ۶۵۳ اثبات می‌کند. این چهار پادشاه تنها توسط منابع آشوری و بابلی تأیید شده‌اند: در واقع، وجود آنها تنها از طریق منابع بین‌النهرینی مشخص می‌شود.^۱ همین را می‌توان دربارهٔ دودمان آنان گفت که در جدول زیر نشان داده شده‌است. در برخی موارد، نسبت‌ها به‌طور کامل فهمیده نمی‌شوند، این به‌خاطر اطلاعات ناقصی است که منابع مهیا می‌کنند. با دو استثنا، تعداد نامعینی از این خاندان اشرافی گسترده در این جدول شامل نمی‌شوند، اگر چه در فهرست منابع ذکر می‌شوند. این دو استثنا یکی پدر نامعلوم برادران هوبان-هالتاش یکم تا تِ اومان (با این شرط که حتماً بیش از یک پدر بوده‌است) و دیگری خواهر نامعلوم تَمَریتو (دوم) هستند که برخی مشخصات مسئله‌برانگیز با جزئیات بیشتری در ادامه بحث می‌شوند. هیچ پیش‌فرضی وجود ندارد که این جدول جامع است و فرض بر این است که نیاز به اصلاحاتی دارد.

جدول شمارهٔ ۱: روابط پادشاهان ایلامی هوبن-هلتش یکم، هوبن-هلتش دوم، اورتاک و تِ اومان



منابع مربوط به روابط خانوادگی نمایش داده شده در جدول:

هوبن-هلتش یکم:

- بدون رابطهٔ فامیلی با پادشاهان قبلی
- بدون نام فرزندان

هوبن-هلتش دوم:

- برادر ([ŠE] Š-ŠÚ) هوبن-هلتش یکم^۲

۱. استثنای اصلی در این توضیح تعیین هویت تپتی هوبن اینشوشینک است که چه کسی این کتیبه‌ها را نوشته (کونینگ، ۱۹۶۹، ۷۹-۸۵ و مالبرن لابات ۱۹۹۵، ۵۹-۶۵) با این تِ اومان و شناسایی آن غامض است. (بنگرید به زیر) کتیبه‌های ایلامی تپتی هوبن-اینشوشینک مطمئن نیستند، نشانه‌های ترتیب وقایع درونی، و کوشش‌ها برای تاریخ‌گذاری آن و سایر کتیبه‌های سلطنتی با انواع مختلف معیارهای پائولوژیکی در بهترین حالت دشوار است.

2. Garyson, 1975, P, 81iii33.

- پدر کودرو و پروو^۱
 - (؟) پدر بزرگ هوین-آمنی (اوممنی)^۲
- ارتاک
- برادر هوین-هلنش دوم^۳
 - سایر برادران، نامعلوم^۴ -- بدون نمایش در جدول
 - پدر هوین-نیگش دوم، هوین-اپ (اومنیا)^۵ و تمريتو (یکم)^۶

1. Borger, 1996, P.97 B iv 81.

2. Sterck, 1916, P.206, K 2825 1.6.

این هوین-آمنی نشان داده شده در نمودار با خط تیره، نقطه برای هوین هلنش دوم است. متن به سادگی هوین-آمنی را به عنوان نوه او من الدسی توصیف می کند (هوین-هلنش) پادشاه [ایلام]: "معلوم نیست که آیا او نوه هوین هلنش یکم است یا هوین هلنش دوم. این متن کوچاندن برخی از ایلامیان به آشور پس از مرگ اورتک را شرح می دهد، بنابراین غیر محتمل به نوه هوین هلنش سوم منسوب شده است.

3. Garyson, 1975, P.84 iv 12-13 and P.1261, 17-18.

۴. در اینجا فرض بر این است که ت او من یکی از برادران بوده که به این عبارت مربوط بوده است. نظر به اینکه هوین هلنش یکم و هوین هلنش دوم مرده بودند، و مرجع بر آن است که «برادران» متعددی می بایست در آنجا وجود داشته باشد. بنگرید به واترز ۱۹۹۹، ۴۷۶. Harper, ABL 328:9-11.

5. Spelled mum-man-pi-' in K 2825 l. 5' (Streck, 1916, p. 206) and mum-man-ap-pi in K 4457+ r. 20 (Borger, 1996, p. 317). See Zadok, 1984, p. 6 and Waters, 2000, p. 47. Harper, ABL 949.

بخشی از نامۀ "Ummanabba" (-appa) به برادرش Aplaia قطعاً این امکان وجود دارد که او اناپا پسر اورتک باشد (44 no. 118 p. 1998, see Radner). و همچنین امکان دارد که اپای پسر ناشناس اورتک در چارت فوق باشد. ضریب خطای این منابع ناقص بسیار بالاست. با این حال Ummanappa of ABL 949 از سوی پدری شناسایی نشده است. بنابر مفاهیم تاریخی، نام های نو-ایلامی در اکدی املاهای گوناگون دارند & Waters, 2001.

۶. تمريتو به عنوان -a-a -ŠEŠ-šu šal-š Tam-ma-ri-tu برادر سوم هوین نیکاش Borger, 1996, p. 104 (B vi 8). به یادداشت بروگر در اشاره او به خواندن این عبارت در ترجمه او توجه داشته باشید "d.h. der (?dritte von den Brüdern). " اگر برادر هستند به ترتیب متوالی B iv 85-86 توضیحات به برادر دیگری میان هوین-اپ و تمريتو یکم. همچنین به پسران و دختران اورتک که نام آنها نشان داده نشده است توجه داشته باشید. هارپر (ABL 918=Luukko and Van Buylaere, 2002, no. 1 (a letter from Esarhaddon to Urtak).

- پدر بزرگ--از طریق هوین-آپ (اومَنپا) هوین-کیتی (اوبن کیدینی) و هوین-آمنی (اومَن آمنی)^۲

تِ اومَن

- برادر پادشاه ایلام، همین هوین-هَلتَش دوم^۳
- برادر هوین-هَلتَش دوم و اورتک^۴
- برادر (؟) زن (hat nu) تِ اومَن^۵-بدون نمایش بر روی جدول
- پدر تَمَریتو، «پسر بزرگ»^۶ او^۷
- پدر اوندسی^۸
- پدر هوین-هَلتَش (اومنالَدسی)^۹
- پدر پسران (نامعلوم) اسیر شده در بیت-ایمبی^{۱۰} بدون نمایش در جدول
- (؟) هوین-نیکش (اومنیگش)
- پدر تَمَریتو دوم و خواهر (نامعلوم)، همسر شو موایدین و مادر شو ما^{۱۱}. بنگرید به زیر.

1. Borger, 1996, P.317 K 4457+.20 and K 2642+iv 7.

2. Sterck, 1916, P.206, K 2825 1. 5, K 2825 clearly differentiates two Huban-amnis in lines 5'-6':... mum-man-am-ni DUMU mum-man-pi-' DUMU mur-ta-ki... mum-man-am-ni DUMU.DUMU sá mum-manal-da-si...

3. Harper, ABL, 578:8.

4. Sterck, 1916, P. 212 K2867+r.

5. Borger, 1996, P. 302 and Gerardi, 1988, P.30.

۶. تاماریتو، پسر تِ اومان، به عنوان پادشاه حکومت نکرد، بنابراین او فرقی نمی‌کند در تحقیق اخیر شماره‌های رومان—بنگرید به واترز، ۲۰۰۰ ص ۵۳—به همین ترتیب هوین نیکش توسط خطوط نقطه‌ای برای تِ اومَن نمایش داده شده است.

7. Borger, 1996, p.300 and Gerardi, 1988, 31.

8. Borger, 1996, p.110 B vii32.

۹. این هوین-هَلتَش است و او را با هوین-هَلتَش سوم، پسر آتمتو اشتباه نگیرید:

See Waters, 2000, p. 69. Note also Borger, 1996, p. 314 Nr. 67 (K 4457+) G 13; Sterck, 1916, 206f. K2825 1.5 and Borger, 1996, p. 317 Nr.74 (K4457+) r.19.

10. Borger. 1996, p.47 A v 6-10 and Dienrich, 1979, no, 567: 8-9.

تصدیق پیش از یک هوین-هلتش، هوین-نیگش و هوین-آمنی نشان‌دهنده یک مسئله مهم در تغییر تاریخ نو-ایلامی است: فراوانی اسامی ایلامی هم‌نام. در منابع بین‌النهرینی، این افراد در سالنامه‌های درباری، کتیبه‌ها و تاریخچه‌ها بازشناسایی می‌شوند: جایی که چند نفر با یک اسم (مثلاً تَمَریتو) با هم می‌آیند، از هم شناخته نمی‌شوند. پنجمین برادر (هوین-هلتش یکم، هوین-هلتش دوم، اورتک و تِ اومن) هوین-نیگش، مورد توجه است. تصدیق این هوین-نیگش که به‌عنوان پادشاه حکومت نکرد و بنابراین باید از هوین-نیکاش دوم متمایز شود، بر اساس k2631+34 (تَمَریتو DUMU اومنیگش-می‌دهی ایشو...)^۲ است. چون عبارت «برادر پدرش» در این مورد بی‌معنی است، فرض شده‌است که DUMU باید به صورت IBILA خوانده‌شود یعنی اکدی آپلو «جانشین»، فاشز مدعی است که اینطور نیست و خواندن DUMU در متن واضح است.^۳ فاشز تصور می‌کند که عبارت «برادر پدرش» در واقع برای ذکر کردن هوین-نیگش دوم در خط ۳۰ است، یعنی «او» (پسوند ملکی - شو [از «پدرش»])، به تَمَریتو اشاره نمی‌کند بلکه به هوین-نیکاش دوم اشاره دارد. «ترجمه و تفسیر» فاشز از این متن به صورت زیر است:

«آن‌ها (خدایان انشار، الیل و نرگال) او را (= اومنیگش یکم) به تَمَریتو یکی از خاندان اومنیگش یعنی به یکی از برادران پدر او (اومنیگش دوم) تحویل دادند (= اورتک)».^۴

این راه حل پیشنهادی تنها به صورت شرطی در جدول به کار گرفته می‌شود. خطوط نقطه‌چین از تِ اومان تا هوین-نیگش و از هوین-نیگش تا تَمَریتو دوم و خواهر او نشان‌دهنده ماهیت مبهم گواهی این متن است.^۵ ابتدا، این متن ناقص است (یعنی در سمت راست آمده‌است) و متن کامل آن را نداریم. این امکان وجود دارد که سایر افرادی که نام آنها حفظ نشده‌است، مدنظر باشند. دوماً، اهی ایشو در خط ۳۴ بدل اومانیکاش از چهار خط قبلی است- و از نظر فاشز این یک اومنیگش نامعین متمایز در خط

1. Harper, ABL, 282: 6-16.

2. Borger, 1996, p. 83.

3. See Waters, 2000, p. 62 following Gerardi, 1987, pp. 178-79 and note corrected reading and discussion by Fuchs, 2003, pp. 134-37.

4. Fuchs, 2003, p. 136.

۵. من با پیشنهاد فاشز موافق نیستم. (۲۰۰۳ ص ۱۳۲) آن ایشتارندی پادشاه هایدالو، همچنین برادر تِ اومان بود. این

ایده‌ای جالب براساس فرض برای توصیف سال‌های سرنوشت تِ اومان و ایشتارندی است Borger, 1996, p. 106

(C vii 47-54) اما تطبیق خیالی و فاقد پشتیبانی است.

۳۴ است (نام خانوادگی یا مانند آن) و قابل شناسایی نیست، این باعث سردرگمی در خواندن متن می‌شود و متن را ناقص می‌کند. راه حل فاشز موقتی است، اما نیاز به خواندن آپلو در خط ۳۴ را رفع می‌کند. خواهر تَمَریتو (دوم) هم ذکر می‌شود، اگر چه نام وی در ثبت گسترده، آورده نشده است. هارپر، ABL289: 6-16 این وصف پنجمین شوما است، پسر شومو-ایدین، پسرگاهال. این شوما توسط بل-ایینی (مؤلف ABL 282) اسیر می‌شود و قصد دارد وی را برای آشوربانپال بفرستد پس از این که شوما از بیماریش شفا یابد. شوما در نامه (۱۰۸) به عنوان «پسر خواهر تَمَریتو» آمده است. این بخش مربوط می‌شود به عزیمت تاماریتو دوم و همراهان وی، که در میان آن‌ها هوبان-هالتاش، پسر تِ اومان: هوبان-آمنی، پسر هوبان-آپ و پسر بزرگ اورتاک و هوبن-آمنی، پسر بزرگ هوبن-هَلتَش (دوم؟) به همراه چند تن از اشراف و بزرگ‌زادگانی که نام آنها ذکر نشده است، به چشم می‌آید.^۱ روابط میان خانواده اشرافی ایلامی (یعنی خواهر تَمَریتو) و یک خانواده بابلی مهم (یعنی گاهال) هم ذکر شده است.^۲ قبل از اینکه پادشاه ایلامی هالوشو، نرگال-اوشیزیب بابلی از گاهال را به عنوان پادشاه در بابل (در ۶۹۴) منصوب کند. روابط میان گاهال و ایلامی‌ها به وضوح زمانی اهمیت داشته است و اهمیت اسارت شوما، یعنی کسی که با دربار ایلام رابطه داشته است، تصادفی نبوده است. از خانواده سلطنتی نو-ایلامی روی جدول، نمی‌توان آن‌ها را شناخت تنها استثنای آن تِ اومان است. نام - اومان یک لقب اکدی برای تپتی-هوبن-اینشوشینک ایلامی است. یک حاکم ایلامی به این نام چندین کتیبه تقدیمی را در شوش به جای گذاشته است، اما معلوم نیست که تپتی-هوبن-اینشوشینک را بتوان با تِ اومان متون آشوری در میانه قرن هفتم شناسایی کرد. تا زمانی که اسناد و منبع دیگری برای شفاف‌سازی این مسئله کشف شود، نمی‌توان آن را حل کرد. این منجر به توقف تلاش ما نشده است.^۴ مسئله تِ اومان-تپتی-هوبن-اینشوشینک از چند روش مجزا به هم پیچیده است. والا اصرار دارد که تپتی-هوبان-اینشوشیناک (کونینگ، ۱۹۶۵، ۷۹-۸۵) و

1. See and compare K 2825 (Streck, 1916, p. 206), CT 54, no. 287 (Dietrich, 1979), and Edition B vii 63 of Ashurbanipal's annals (Borger, 1996, p. 111).

2. M.W. Stolper apud Brinkman, 1984, p. 30 n. 148. Note also the reference to Râsi-ili, son of Ga'al in Cole, 1996, no. 38:29 and Cole's commentary on this reference on p. 109.

3. Luckenbill, 1924, p. 87 l. 28; see Radner, 1999, pp. 418-19 Ga'al. برای بحث در مورد

۴. برای مثال، بنگرید به:

شیلهاک-اینشوشیناک (۱۹۶۵، ۷۵) به قرن ششم بر می‌گردند، بر اساس شناسایی اسناد مربوط به پادشاه اومانونون ارگ شوش با اوانون که به عنوان پدر شیلهاک-اینشوشیناک در کونینگ، ۱۹۶۵، ۷۸ آمده است. ادعاهایمان حمایت‌شده بر اساس متون انسان‌شناختی یا دیرینه‌شناسی در این زمینه قانع‌کننده نیست، در پرتو عدم تناسب نشان‌ها در شکل کتیبه‌های نو-ایلامی. ممکن است فرضیه والا هم صحیح باشد، اما اصولاً ملموس‌تر از شناسایی ت اومان میانه قرن هفتم تپتی-هوبن-اینشوشیناک مورد نظر نیست.

نه شیلهاک-اینشوشیناک و نه تپتی-هوبن-اینشوشیناک در متونی با اویتون نامگذاری نشده‌اند، به این دلیل در هر متن دیگری که به آن دوره بر می‌گردد، نیامده‌اند. از آنجا که کتیبه‌های شیلهاک-اینشوشیناک و تپتی-هوبن-اینشوشیناک فاقد نشانه‌های تاریخ‌شناختی ایمن هستند، این ارتباط فرضی با پادشاه اویتون (به عنوان پادشاه در یک متن: شیل ۱۹۰۷، ۱۶۵) متون ارگ تنها چیزی است که آنها را طرح والا به قرن ششم برمی‌گرداند. با پادشاهان ایلامی فراوان و حکامی که در اواخر قرن هفتم به کار گماشته شده‌اند، به نظر می‌رسد در اوایل قرن ششم دو تن دیگر را به این طرح اضافه کرد، وقتی ایلام (اگر این نام از نظر سیاسی به درستی به کار گرفته شده باشد) به یک تعداد نامعلوم از قلمروهای نامعین بخش‌بندی شده باشد.^۱ اما بدون تأیید بیشتر، برگرداندن شیلهاک-اینشوشیناک و تپتی-هوبن-اینشوشیناک به این دوره در حد فرضیه باقی می‌ماند.

اگر ما شیلهاک-اینشوشیناک را که خود را «پادشاه» می‌نامد (کونینگ، ۱۹۶۵، ۷۸/۱) به اوایل قرن هفتم بگردانیم، چگونه او را در سلسله پادشاهان ذکرشده در منابع بین‌النهرینی شامل کنیم؟ شیلهاک-اینشوشیناک خود را به عنوان پسر اومانون معرفی کرده است که لقبی به وی داده نشده است. این فقدان لقب، الزاماً برای پدران پادشاهان شناخته‌شده در سایر کتیبه‌های سلطنتی نو-ایلامی بدون لقب، اهمیتی ندارد. هیچ تاریخ دقیقی برای این کتیبه وجود ندارد. اینک درجه اومانون در سند شیل ۱۹۰۷/۱۶۵، «پادشاه» می‌باشد، به اواخر قرن هفتم یا اوایل قرن ششم بر می‌گردد. ممکن است دو اومانون یکی باشند، اما این ضرورتاً یک فرضیه نیست.

جرج کامرون (۱۹۳۶، ص. ۶۸-۱۷۶) اومانون، پدر شیلهاک-اینشوشیناک، را به عنوان پادشاه هوبن-منان معرفی می‌کند. (۶۸۹-۶۹۲) به اندازه‌ای که این در نگاه اول نامحتمل به نظر می‌رسد، این پیشنهاد نه

Vallat, 1996 and 1997a, pp. 310-11. Vallat's dating has been followed by Tavernier, 2004, p. 39. Cf. Cameron (1936), pp. 186-90; Hinz (1972), pp. 152-56; Carter and Stolper, 1984, p. 50; Potts, 1999, p. 276; and Waters, 2000, pp. 40-41, 50.

1. See Vallat, 1996 and 1997a, pp. 310-11; Waters, 2000, Chapter 7; and Tavernier, 2004, pp. 22-32 and 36.

باید دور از دسترس تلقی شود.^۱ اولین اعضای اوین-منون‌ها هر دو از نام ایلامی «هومبان» گرفته می‌شوند. نمایش اکدی اسامی ایلامی، تغییرات درست‌نویسی ایلامی نشان می‌دهد نه ترجمهٔ اکدی لغات ایلامی. اینکه منا (نو) اکدی و (ن) اونو ایلامی شاید معادل باشند، یعنی اگر از یک صورت ایلامی (حتی از hypocoritocon) گرفته شده باشند (e.g. {me}-na/u-nu)، معلوم نیست.^۲ اکثر صاحب‌نظران این احتمال را رد می‌کنند. منانو اکدی معادل مشخص ایلامی ندارد، اما اسامی اکدی همواره تنها براساس فرم از همتایان ایلامی خود قابل شناسایی هستند-نمونهٔ کلاسیک این اشترخوندو اکدی برای شتروک-نهوتته دوم ایلامی است.

با هدف شناسایی تِ اوَمَن و تپتی-هوبن-اینشوشینک (که در آن من نقش خود را بازی کرده‌ام)، تلفیق کردن پدر تپتی اینشوشینک به عنوان شیلهک-اینشوشینک با پدر تِ اوَمَن به عنوان هوبان-هالتاش یکم دیگر معنی ندارد. خوانش دقیق متن در تاریخچه بابلی نشان می‌دهد هوبن-هالتاش یکم برادرتِ اوَمَن است. پس مسئله این است: چه کسی پدر آنها بوده‌است؟ اگر شناسایی تپتی-هوبن-اینشوشینک (کونیک، ۷۹/۱۹۶۵-۸۵) با تِ اوَمَن پادشاه ایلام پذیرفته شود، پس در واقع شیلهک-اینشوشینک به عنوان پدر تِ اوَمَن شناخته می‌شود. اما از این جا نمی‌توان چنین استنباط کرد که او همچنین پدر هوبن-هالتاش یکم، هوبن-هالتاش دوم و اورتک هم بوده‌است. با مثال‌هایی از ازدواج با محارم سلطنتی پدران چندگانه فرزندان یک مادر در تاریخ ایلام،^۳ نباید تصور شود این چهار پادشاه دارای یک پدر بوده‌اند. این را نمی‌توان برپایهٔ شواهد موجود حل کرد. در اینجا مشکلات بیشتر می‌شوند.

تپتی-هوبن-اینشوشینک از درجهٔ «پادشاه» در هیچ‌کدام از کتیبه‌های خود استفاده نمی‌کند، اما فقدان آن از نظر تاریخی به راحتی تغییر نمی‌شود.^۴ سناریوهای زیادی برای این سؤال وجود دارد که چرا این فرد در کتیبه‌های خود ادعای لقب «پادشاه» را نکرده‌است، حتی اگر هویت تِ اوَمَن-تپتی-هوبن-اینشوشینک حفظ شود. روشن است که تِ اوَمَن در سال‌های ۶۶۰ در مقابل برادر خود اورتک قرار گرفته‌است، قبل از اینکه تِ اوَمَن پادشاه شود (و سابقاً نسبت به پسران اورتک و هوبن-هالتاش دوم او پادشاه شد) و او در اوایل ۶۷۵-۶۸۰ مخالف منافع آشوری بوده‌است. اینکه تِ اوَمَن نه به عنوان پادشاه - دارای کتیبه‌های زیادی در شوش می‌باشد تا خود را مخالف اورتک نشان دهد، تعجب‌برانگیز نمی‌باشد.

۱. با توجه به عدم اطمینان این تطبیق انشعابات تاریخی آن در اینجا مطرح نمی‌شود.

۲. Zadok, 1984, p. 30 درج یک هجای پایانی در ایلامی hypocoristica را یادآوری می‌کند.

3. Yusifov, 1974; Malbran-Labat, 1995, pp. 171-79; and Vallat, 1997b.

4. Cf. Vallat, 1996, pp. 385 and 389; Waters, 2000, pp. 48-49; and Tavernier, 2004, p.

25.

چه راهی بهتر از اینکه نه تنها از خدایان بلکه از ساکنین مهمترین شهر ایلام سود برد؟ احتمال تاریخ شناختی از طریق یک زمینه قابل ردیابی، بیشتر می‌شود. در حال حاضر، ما این را برای تپتی-هوین - اینشوشینک/ت او من قرن ششم نداریم. پس مسئله همچنان باقی است.

منابع و مآخذ:

- BORGER, R., 1996. Beitrage zum Inschriftenwerk Assurbanipals, Wiesbaden.
- BRINKMAN, J.A., 1984. Prelude to Empire: Babylonian Society and Politics, 727-626 B.C., Philadelphia.
- CAMERON, G.G., 1936. The History of Early Iran, Chicago.
- CARTER, E. and STOLPER, M.W., 1984. Elam. Surveys of Political History and Archaeology, Berkeley.
- COLE, S., 1996. The Early Neo-Babylonian Governor's Archive from Nippur, Oriental Institute Publications Vol. 114, Chicago.
- DIETRICH, M., 1979. Neo-Babylonian Letters from the Kuyunjik Collection, CT 54, London.
- FUCHS, A., 2003. Review of Waters, 2000, ZA 93 (2003), pp. 128-37.
- GERARDI, P., "Assurbanipal's Elamite Campaigns: A Literary and Political Study," Ph.D. dissertation, University of Pennsylvania.
- , 1988. Epigraphs and Assyrian Palace Reliefs: The Development of the Epigraphic Text, Journal of Cuneiform Studies 40, pp. 1-35.
- GRAYSON, A.K., 1975. Assyrian and Babylonian Chronicles, Texts from Cuneiform Sources, Vol. 5, Locust Valley, New York.
- GLASSNER, J.J., 1993. Chroniques mésopotamiennes, Paris.
- HARPER, R.F. (abbreviated ABL), 1892-1914. Assyrian and Babylonian Letters Belonging to the K(ouyunjik) Collection(s) of the British Museum, 14 volumes, London.
- HENKELMAN, W., 2003a. Defining Neo-Elamite History, review of Waters, 2000, Bibliotheca Orientalis LX 3/4, pp. 252-63.
- , 2003b. Persians, Medes and Elamites: acculturation in the Neo-Elamite period, in Continuity of Empire(?) Assyria, Media, Persia, eds. G. Lanfranchi, M. Roaf, and R. Rollinger, Padua, pp. 181-231.
- HINZ, 1972. The Lost World of Elam: Recreation of a Vanished Civilization, translated by J. Barnes, London.
- KONIG, F.W., 1965. Die elamischen K. nigsinschriften, Graz.
- LUCKENBILL, D.D., 1924. The Annals of Sennacherib, Oriental Institute Publications Vol. 2, Chicago.

- M.W. WATERS LUUKO, M. & VAN BUYLAERE, G., 2002. The Political Correspondence of Esarhaddon, State Archives of Assyria XVI, Helsinki.
- MALBRAN-LABAT, F., 1995. Les inscriptions royales de Suse: Briques de l'époque paléo-élamite à l'empire néo-élamite, Paris.
- POTTS, D.T., 1999. The Archaeology of Elam: Formation and Transformation of an Ancient Iranian State, Cambridge.
- QUINTANA, E., 1996. 'Trilogia de poder en Elam en el primer milenio?', N.A.B.U. no. 109.
- RADNER, K. (ed.), 1998. The Prosopography of the Neo-Assyrian Empire, Vol. 1, Part I, Helsinki.
- , 1999. The Prosopography of the Neo-Assyrian Empire, Vol. 1, Part II, Helsinki.
- SCHEIL, V., 1907. Textes élamites-anzanites, troisième série, Mémoires de la Délégation en Perse Vol. 9, Paris.
- STRECK, M., 1916. Assurbanipal und die letzten assyrischen Könige bis zum untergange Nineveh's, II. Teil: Texte, Leipzig.
- TAVERNIER, J., 2003. Review of Waters, 2000, Journal of Near Eastern Studies 62, pp. 202-04.
- , 2004. Some Thoughts on Neo-Elamite Chronology, ARTA 2004.003
- VALLAT, F. 1996. Nouvelle analyse des inscriptions néo-élamites, in Collectanea Orientalia: histoire, arts de l'espace et industrie de la terre, eds. H. Gasche et B. Hrouda, Neuchâtel, pp. 385-95.
- , 1997a. The history of Elam, in Encyclopaedia Iranica, Vol. VIII, ed. E. Yarshater, Costa Mesa, California, pp. 301-12.
- , 1997b. Nouveaux problèmes de succession en Élam, Iranica Antiqua 32, pp. 53-70.
- WATERS, M.W., 1999. Te'umman in the Neo-Assyrian Correspondence, Journal of the American Oriental Society 119, pp. 473-77.
- , 2000. A Survey of Neo-Elamite History, State Archives of Assyria Studies XII, Helsinki.
- , 2001. Mesopotamian Sources and Neo-Elamite History, in Historiography in the Cuneiform World, Proceedings of the XLVe Rencontre Assyriologique Internationale, Vol. 1, eds. T. Abusch et al., Bethesda, Maryland.
- , 2006. Four Brothers and a Throne, in If a Man Built a Joyful House... Studies in Honor of Erle V. Leichty, eds. A. Guinan et al., Groningen.
- YUSIFOV, Y., 1974. The Problem of the Order of Succession in Elam Again, Acta Antiqua Academiae Scientiarum Hungaricae 22, pp. 321-32.
- ZADOK, R., 1984. The Elamite Onomasticon, Naples.